

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۴۳

شنبه ۱ بهمن ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

## خاطرات تلخ

در چند کیلومتری تهران در ساختمان های نو ساز آسایشگاه باغ بوست که مخصوص پدیرانی مساولین است صبح پنجشنبه ۲۲/۱۰/۲۴ معصود خان کانی سانالی پدرود زندگانی گشت و بامرک اوساراری که چندی مصلحه مریوان کردستان را قنکاه جوانان ساخته بود مدفون گشت.

آچه مسلم است سوسامت دولت وقت و حلیات نابکارانه تی چند از مامورین لشکری چند ماه نواحی کوهستانی مرزی کردستان را میدان جنگهای غریبی نمود و بالاخره تنها روش متین و عادلانه ای که پس از خسارات و تلفات زیاد پیش گرفته شد توانست برادر کشی های بیپوده را پایان بخشد.

در این مدت ام معصود خان کانی سانالی بایک سلسله حلیات ماجراجویانه برده میشد و فرمانده لشکر پیشین کردستان هجارت درو به صفت هم آن اخروده به راه سرارو ارم تبیین و برای کشتن پادشاه معین کرده بود.

ولی اگر در اساس آن وقایع و غلش دقت کنیم صرف نظر از انگشت های خارجی که میگویند در کار بوده سبب اصلی را حلیات خود آن فرمانده خود خواه دارو دست منعت پرست و هواخواهان بی فکر او خواهیم یافت.

اگر روزی تحقیق شود و بخواهند حقیقت ماجرا را بیابند ماجرا جوی و افسی را در لباس افسری خواهند یافت که حلیات کشن بی رویه و آشوب طلبانه اش اظهار من الشس است.

اگر روزی بخواهند درد واقعی را بیابند باز عناصر پلیدی خواهند یافت که ماسک افسری بر چهره دارند و هنوز با خوردن مال مردم و مسکیندن خون بیگانهان شهوت اندوختن مال را تسکین میدهند.

ولی افسوس، هنوز این جانیان خون خوار و دزدان راهزن در مقامات خدمات اجتماعی و حفظ و حراست ایران مشغول و بیرونده اقدامات مشنع آنان در کردستان بایکانی لبنان و از چشم نزدیک

بلام آتای احسان نوری

## پادشاه کرد عراق

دوران اواخر روزهای ماهی مرکز نامی از ملامصلطی بارزان برده مشارالیه پاهزار خانوار از ناک عراق بکردستان ایران آمده بود و میان هشایر قسمت شمالی کردستان جا بیجا شده است. هشایر فوق الزکر، مایحتاج این هزار خانوار مهاجر را از حیرت مسکن و خوراک و پوشاک در میان خود تامین نموده بار دیگر که تنها همیان نوازی کرد بلکه علاقه شدید افراد این قوم را ببقدرات بکندیکر نشان دادند.

جا دارد که علت دوبدیری این هزار خانوار را توضیح دهم تا خواننده کالی که اخباری راجع بلا مصلطی و آمدن او به خاک ایران در جرایده خوانده اند به حقیقت و اساس موضوع پیبرند.

پس از جنگ بین المللی گذشته (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) منطقه کردستان از طرف قوای فاتح اشغال شده بود و ناحیه کردشین موصول هم تحت اشغال قوای بریتانیای کبیر در آمد. جمهوری ترکیه موصول را از خود میدانست. برای پس گرفتن این ناحیه نجات خیل در سال ۱۹۱۴ میلادی ارتش خود را در شمال رود خانه خابور که خط فاصل بین ترکیه و عراق بود تر کرداد و زدو خورد های خلیلی هم بولوح پیوست.

مدتی قبل اینکه این قوا در این ناحیه مشرک شود، کبیته استقلال کردستان ترکیه از یک اقلیه محرمانه مطلع شد که از آنکارا صادر و در جواب استناداری سردرد بود در این اقلیه که فرماندهان سپاه و لشکر هم در نوشت فرستاده شده بود چنین اشعار گردیده بود:

ارتش بزرگی برای استرداد موصول در منطقه جزیر و بوطن تر کر خواهد یافت. این ارتش وظیفه خواهد داشت پس از حل نضیه در میان اکراد اصلاحاتی نماید.

کرد ها میدانسته معلوم اصلاحات چیست و چون برای استرداد آزادی خود قصد قیام مساعانه ای هم داشتند حاضر نبودند باین اصلاحات تن در دهند. به علاوه ملت کرد پس از اعلان جمهوری ترکیه از حرکات و تواقین تازه دولت هابوسو ناامید بوده نخواستند عده ای از ازم زادهای آن که در منطقه موصول امید رسیدن آزادی را داشته دوباره بدست جمهوری ترکیه گرفتار شوند لذا ملاح در این دیده بودند که این عمل قشون کشی با موفقیت ترکیه انجام نیابد ولی در عین حال نخواستند پس از شروع جنگ اقدامی بعمل آورند. بنا براین با صواب دید کبیته عده ای از

ترین سنکره و مقابل پشاگران و آنهایی که مارا باز بچه پیشرفت مقاصد خود قرار داده اند تشکیل و این کاخ بیدادگری و اختناق را و از گون کرده زنده بودن و لیاقت داشتن حق حیات خود را بجهایان اعلام داریم.

خبرهای داخله

مهمترین موضوع هفته گذشته موضوع استعفای دولت بود. آقای حکیمی چون نتوانسته اند بر مشکلات فابریک آهنگ از تداوم طرفدارانشان در مجلس کاسته شده و بطوریکه در هفته گذشته اشاره کردیم همه ای از نمایندگان به زمامداری آقای قوام السلطنه مستعده و فراگسود اصلاح که اخیراً در مجلس تشکیل شده در این زمینه مشغول اتمام است همه ای هم نام آقایان مومنین ملک و منصورالملك را ذکر میکنند ولی قبول زمامداری از طرف آقای مومنین الملك بحدی نظر میرسد بپس حال هنوز تصمیمی در باره نامزد نیست و زبری آینه بطور قطعی اتخاذ نشده است.

در جلسه روز سه شنبه مجلس آقای حکیمی طی نطق مشروحی اشاره به مشکلات کار در بند تشکیل دولت خود نموده گفتند: «چون آقایان خود همه چاره میدانند و عریضه حاجت به بند ممال نیست را اگر مساعی اینجانب ارزش نداشته است عذر تعصیب را فقط در این میدانم که از آنچه در قوه داشته ام در راه دریغ نکرده ام.»

سپس سخن را به موضوع استیضاح آقای تهرانجی کشانید، گفتند:

« برای جواب آمادهم و به نتیجه آن کاری ندارم و از هم اکنون برای کناره گیری از خدمت آمادهم.»

چون آقای حکیمی پس از این نطق از کار کناره گیری کرده و نه از آقای رای

اعتماد نوروند لذا موضوع دولت همچنان بی تکلیف مانده.

در جلسه روز شنبه چون در خارج موافقت حاصل شده بود که آقای تهرانجی استیضاح خود را پس گرفته و آقای نخست وزیر هم استعفا بدهند و آقای تهرانجی طی نطقی خدمات صادقانه آقای حکیمی را ستوده سپس استیضاح خود را پس گرفتند.

ولی استیضاح آقای فرهودی که در پیچان همین جلسه راجع سیاست داخلی بر ریاست مجلس تقدیم گردیده ضح دولت را پیچیده تر کرده و ظاهر آستهنای آقای حایبی بتعویق انداخته است.

اما موضوع آذر بایجان: نطق آقای تقی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران در هفته گذشته مورد توجه و بحث بود.

به آذر آخرین اخبار فعالیت شدیدی برای طرح مسئله ایران در مجمع ملل مناق آغاز گردیده است.

اوضاع شال نیز گمانکن ادامه دارد و از مراجعت قطاریانه به تهران از طرف دو کواکبه مخالفت شده است.

انتخابات مومنین های ایالتی و ولایتی شروع شده در کرمانشاه و در سنج هیئت نظار مومنین وحشی شرفنامه داده شده است.

انتخاباتی که در نواحی عرب بمثل آمده بشرح ذیل میباشد:

۱- آقای محمد حسن آذرانی بمشدار کرد بست مامور مباح کرده.

۲- آقای قاسم اعظمی بمشدار سربیل بست مامور مباح سربیل.

۳- آقای معین منشی زاده بمشدار هرسین بست مامور مباح هرسین.

۴- آقای کریم منظمی بمشدار محنه بست مامور مباح محنه.

۵- آقای مهدی عظیمیا باو پسر شیخ ۱۲ دادسرای تهران بست مستشاری دادگرا استان.

از سفندج آقایانی که برای کمک بستند ان امانه داده اند:

- ۱- آقای آصف نماینده کردستان ۲۰۰۰۰ ریال
- ۲- آقای ساعد السلطان ۲۰۰۰۰ ریال
- ۳- آقای پاسپار آصف وزیر ۱۰۰۰۰ ریال
- و ده خروار گندم اسامی بقیه آقایان بترتیب که برسد در روزنامه چاپ خواهد شد.

آهلی احضار متولدین سال ۱۳۰۰ در سفندج منتشر شده است

ش ۰ ت افتراح برای اصلاح کردستان چه راهی در نظر دارید؟

چون مقالاتی که بدفتر روزنامه می رسد کلا حاکی از شکایت و تهنید اوضاع داخل و بعدی شکایات متواتر هر دهنه برسد که حتی نشر خلاصه آنها نیز مشکل است و بدیهی است بعد از اظهار دردمند و افسوس در پیش درج نایب آنها نیز چندان نتیجه حاصل نمیشود و متأسفانه همگی از درد بنالد و در ارا نشان ندیده اند و در حد بر آمدیم که راه چاره را نیز از خوانندگان بخواهیم و برای آنکه هر یک بتوانند راه علاج را نشان دهند موضوع فوق را با قراح میگذاریم تا هر کس آزادانه بادر نظر گرفتن شرایط زیر قضا خود را اظهار نماید.

- ۱- حداکثر ماله باید از یک ستون کوچک روزنامه تجاوز نماید.
- ۲- اسم و آدرس شرکت کننده باید واضح باشد و در صورت تساهل ممکن است از درج نام او هم خودداری نمود.
- ۳- بضمیمه هر مقاله باید ۵۰۰ ریال تمیز بست ارسال گردد.
- ۴- مدت مسابقه برای تهران تا ۱۵ بهمن و برای ولایات تا ۱۵ اسفند خواهد بود.
- کلیه مقالات قابل درج در روزنامه منتشر خواهد شد و بعد نوشته بهترین پیشنهاد به اولی یکسال و به دومی ششماه روزنامه کوهستان بتوان جایزه داد خواهد شد.

پادشاه کرد عراق

بقیه از صفحه ۱

امیران کرد نسبت بدولت ترکیه حرکات خصمانه ای نموده اند و دولت را بدست کرد از میان بردند و در نتیجه امید دولت را باینکه حرکات نظامی در مناطق کرد نشین با موفقیت انجام یابد، مهمل به پاس گردید. بنابراین جمهوری ترکیه ناچار از این شد که یک هیئت بین المللی مقدماتی موصل را معین کند، در حقیقت که هیئت بموصل رسید. بود کردهای ترکیه در تحت ریاست شیخ سعید بزرگ برای بدست آوردن استقلال ملی خود مساعیات قیام نمودند.

کمیسیون بین المللی فوق الذکر در تحقیقات خود بیان نتیجه رسید که اکثریت ساکنین ولایت موصل را کردها تشکیل میدهند و اینها هم آزادی ملی خود را خواستارند. گزارشی که این هیئت تنظیم کرد در تاریخ ۱۹۲۵/۷/۱۶ بجایمه ملل تقدیم نمود چنین اظهار داشته بود:

« اراضی منازعه باستانهای بعضی نواحی هرگز متعلق بپهلوی عراق نبوده است. کردها اکثریت سکنه محل را تشکیل میدهند. اینها: که با عرب نیستند، با زبان آریایی تکلم میکنند. در اراضی مورد بحث باستانهای همدانی از نسلان عرب هیچکس هم ملی عراقی ندارد. احسانات این صورتان هم قبل از هرجیز بک کارا تتر عرب و مهارت از کینه مایل با فراط است نسبت با جانب. در میان کردها احسانات من دیده میشود که هر روز در بنزاد است. این احسانات شام منی کردی است و هیچ جنبه عراقی ندارد. مشابهت کرد و عرب هنوز مشهور و مبهم است. مقدرات کله ایها و آسوریا هم باید حمایت شود.»

اظهار نظری که کمیسیون فوق الذکر در پایان گزارش خود نموده

بود بدین نحو بود:

« در اراضی مذکور حوزه حمایت جاسه ۱۰۰ مدت ۲۵ سال تعدید شود. تشبیهات داد بستری - کشوری و فرهنگی بدست سکرد ها سیرده اردو.

زبان رسمی محل زبان کردی باشد.»

راجع بندهای ترکیه نسبت باین منطقه موقعیکه نماینده ترکیه اظهاراتی نمود. بود نماینده دولت بریتانیای کبیر مستر امری در مقام اعتراض پسر آمده نسبت سکنه ولایت موصل را بشرح ذیل بیان کرده بود:

کردها	۶۲ درصد	(۵۰۰/۱۰۰۰ لار)
عربها	۲۱	(۱۷۰/۱۰۰۰)
ترکها	۵	(۲۸/۵۰۰)

جاسه ملل قراردی در خصوص موصل اتخاذ و ابلاغ نمود که به دو آن اینطور میباشد:

۲۵ - حکومت بریتانیا بست مالداتر، برای تأمین حقوقی که در گزارش کمیسیون تحقیق برای اهالی کرد تلویح و توصیف شده است تدابیر اداری لازم را اتخاذ و بنظر و تصویب جاسه ملل وضع خواهد نمود.

باید متذکر شد که در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۲۲ نیز دولت بریتانیای کبیر و حکومت عراق بیابیه مشترکی بمضمون ذیل صادر نموده بودند:

« حکومت بریتانیای کبیر و حکومت عراق حقوق کردها را در تأسیس حکومتی کردی در داخل حدود عراق، در منطقه ای که اگر اکثریت معمله را تشکیل میدهد، اعتراف دارد. و از عناصر

بنام آقای مهتمس گودوزی تبریزی

### دنیا در هفته پیش

#### ترومن چه گفته بود؟ آنچه از سازمان ملل متفق فهمیده ام -

در لندن چه میگذرد؟ - خطر آنی که دنیا را تهدید میکند

«چنانکه واسطه اجراء مویات سیاسی»  
 «است مانند «نابودی بربریت و وحشی»  
 «گری» یکی از این خواهد رفت و  
 «از این بعد سازمان ملل متفق واسطه»  
 «حل اختلاف بین ملل خواهد شد»  
 «یکی دو ماه پیش بنامیت روز»  
 «حله سرایان ژاپنی بر (پزل هادس)»  
 «ترومن این حقیقت ساده و دلنشین را که»  
 «شاید بزاج اغلب معاضل سیاسی که هنوز»  
 «شواهان (سیاست کساره گیری آمریکا از»  
 «امور بین المللی میباید) سازگار بود»  
 «برده اظهار کرد در همان هنگام سناتور»  
 «های متمم و طرفداران دو آتشه سدموترو»  
 «از این ناشی گری ترومن صیانی و از این»  
 «که با تعجب میدیدند افروزش ۱۹۴۵ با»  
 «گرچه و نصابهای قدیم و فضای تیره و»  
 «کتیف ۱۹۱۹ هم آهنگی ندارد و از»  
 «اینکه میدیدند سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰»  
 «برای خیابانستان واقعی نکتیت آورو جیت»  
 «واقف بنیان خفیی جانبش است شدیداً»  
 «متاثر بودند»

#### در لندن چه میگذرد؟

در اینجا از جریان مذاکرات سازمان ملل متفق آنچه قابل توجه است و منظره از روزهای خوش و آزاد و آینه روشن نیست. برای خوانندگان ستون سیاسی ما مجسم میکند بنویسیم

«تیس روز و نیم در خارج آمریکا سیاست بین المللی دولت خود را که منگی بر اساسنامه سازمان ملل متفق است تشریح و اظهار کرد که ما برخلاف ۲۵ سال پیش تجربه حاصل کرده و اکنون ملت و دولت من هر دو برای همکاری گرم و کاملی با دنیای آشفته فعلی آماده ایم و همه معتقدیم که این سازمان که زائیده مصائب بعد و حشر گروهی از افراد رنج کشیده و محروم در کشورهای مختلف است باید برای همیشه زنده بماند»

و ضمناً متقدم که این سازمان یک ميثاق ساده بین دولتهای عضو آن نبوده بلکه یک موسسه و موسساتیکه از هر جهت قادر بقارنش و بنا هستند و از این رو میگذرد و از این رو یک باید خدمت بگیتی است ایستای بر آن را معلوم خود دانسته و نیروی عظیم خود را محصور در راه سعادت و رفاه کیشی بکار برند و پس

- تعلق دکتری نایبند روز در سازمان متکی به اصل زیر بود:
- ۱- معی و نابودی فاشیسم
  - ۲- آماده بودن ترومن برای اخذ استقلال و آزادی دولی که هنوز مستقل نیستند
  - ۳- توصیه راجع به همکاری نزدیک دول بزرگ

و یاض یک رئیس هیئت نایبندگان لبنان اظهار کرد که کلیه دول حرب جبهه متحدی در سازمان تشکیل داده اند و نایبندگان چین و هلند در ضمن اظهارات خود سازمان را با مسائل بسیار مهم و دشواری مواجه نموده

نخستین اشاره به موضوع هند هلند از طرف پروفسور و پللم شرمهرن نخست وزیر هلند پس آمده تکرار داد که:

#### رویه و رفتار ملل مظلوم

اروپا و آسیا امروز دیگر مانند زمان قبل از جنگ نمیباشد و اضافه کرد که این کشورها از جهنم

### بیرون آمده اند آرزوی اصول سیاسی جدیدی را در

سر دارند

(و اینکن کور) نایبند چین بعد موضوع ادویه مضمونه و قیومیت اشاره نمود و بون صریحاً نظر دولت بریتانیا را اظهار چنین گفت که کشور های اروپا که تا کنون تحت قیومیت اسکس بوده اند از این به بعد تحت اداره شورای قیومیت سازمان قرار بگیرند و کنوری بنام (ماوراء اردن) که مستقل و حاکم بر مقدرات خود باشد بوجود خواهد آمد و مسئله اتم تحت کنترل کیسیون مخصوص سازمان قرار گرفته است

اما در راه قضیه یهود و فلسطین راه حل منحصر امو کول به بررسی گزارش کیسیون دو جاب انگلیس و آمریکا که در واشنگتن هسته خواهد بود

بومین علاوه شدید ملت بریتانیا را بوجود سازمان خصوصاً مسئله ایجاد یک کمیته ستاد ارتش بین المللی که در راه دفاع از مصالح جهانی کوشا باشد بیان کرده

(کرومیکو) نایب رئیس هیئت نایبندگان شوروی اظهار نمود باید برای بنیان جهان آزاد و حفظ صلح و امنیت روش های نوینی برای کار دسته جمعی بکار برد و ضمناً باید از سیستم پوسیده جامعه ملل گذشته پیروی کرد و برای حفظ صلح باید توصیه کیسیون مقدساتی درباره قیومیت ها را دول ذنبغ بپذیرند و مبارزه بر علیه فاشیسم و دو منبع تهامی این فکر زشت بخصوص باید از وظایف مهم سازمان کرد

حسن - حسن مغترالی خود از ادعاهای ارضی شوروی سخن گفت و در جواب ممبرین عربها اظهار کرد که هیچوقت شوروی از امتدضالی دالر برتبراتی در سرز های (شوروی و ترکی) ننوده است

بهر صورت مذاکرات مجمع عمومی دپروز پایان رسیده و کمیته سیاسی آزار روز تشکیل و در این کمیته بون و سرلوتل بیکر حرکت میکنند و دپروز دیگر شورا اقتصادی و اجنماعی تشکیل ولی شورا امنیت تا سه ایران مطرح نشود تشکیل نخواهد شد

(و اینکن) رئیس هیئت نمایندگی روسیه به لندن آمد

«میگویند بریتانیا در تشکیل کمیته ستاد ارتش بین المللی جدا از امراد دارد و ژینو صریحاً اظهار کرده که طبق مشور جامعه «ژنو» فرانسه (قیومیت) خود را بر کامرون و کودله سکا سکان ادا میدهد»

#### خطر آنی که دنیا را تهدید میکند

موضوع یهود و فلسطین حقیقتاً قضیه بفرنی شده است زیرا از طرفی یک جنبه انگلیسی و آمریکایی در واشنگتن نشسته و مقدرات یهود و عرب را ببل خود پیش خود دارد بررسی و تحلیل میکند و از طرف دیگر اتحادیه ساختگی اعراب فعالیت جیبی از خود در این زمینه بروز و با تشکیل جبهه ای اتحادیه خواهد پیش و کم این موضوع را بنفع اعراب خانه دعه ولی یهودیها هم در این میان ساکت نینشینند بلکه در چند روز اخیر دست با اقدامات شدیدی زده اند

#### شورش آخر فلسطین هود نظریه هاست

در هند هلند مبن برستان اندونزی هنوز بشیرد آزاد نخواهد خود ادامه میدهند و آن موک که در لندن بود از راه قاهره به جاره برگشت تغییر فرماندهیده نیروهای هلند در جاره و تشکیل بارلمان هلند برای حل قضیه اندونزی و مسافرت (سرا جیبالد کلار کر) سفیر فیلی بریتانیا در مسکو با پکرشته فعالیت های دیگر همه و همه تصور نیروی قضیه اندونزیها را بتواند فیصل دهد و مطمئن آنرا که اندونزیهای دلیر و آزاده و حاکم و متعار در سر وقت خود و اداره کشور خود بنیابند چاره نیست مسئله اسپانیا هنوز حل نشده و مجلس فرانسه رسماً تصویب کرده که دولت فرانسه باید با فرانکو و حکومت فلالائی او قطع رابطه کند این مسئله و شورش اخیر فلسطین و قضیه چاره و اصولاً منافی که دول بزرگ بطور کلی در خاور میانه بر سر مسئله بآنها و سرچشمه های ژو خیز لغت دارند خطرانی است که هر آن صلح جهانی را تهدید میکند و باید نیست اگر باز سیاست های قدیمی بخوانند نفوذ قدیمی خود را در این نقاط تاریک و حساس مانند بیست سال پیش اجرا کنند ملحه جدیدی در برابر دیده نایبانی بشر فعلی که شاهد دو جنگ بی دومی بوده گشوده شود

بمقام آقای عباس آزاد پور

استندج

### افتتاح انجمن های اربانی و ولایتی

### دستگیری کبک

گزارش تلگرافی نماینده کمیته سندج حاکی است که نتایج ۲۶/۱۰/۲۶ میلغ ۸۴/۰۰۰ ریال امانه توسط آقای آصف نایبند کردستان که چندی است به سندج رفته اند جمع آوری و بین مردمان بی بضاعت تقسیم شده است.

ضمن اظهار خوشنیتی از این اقدام و قدردانی از کمایک به تشکلهستی و بیچارگی همه از همه شهرها پیورده و باپرداخت مبلغی این بیچارگان را کک کرده اند بجز نوع دوستی اهالی محترم سندج متوسل شده با یادآوری دو نوره از زندگی خانواده های پریشان روزگاری که شاید مردم بدان آگاه باشند برای نجات آنها از چنگال مرگ از خبرخواهان کک میعلیم .

شاید بعضی از شما خواننده گان عزیز ، پیرمر دهنفادساله ای را بشناسید که قریب چولسال جوانی وقت خود را در خدمت دردستگاه های دولتی گذرانیده و اکنون در حالیکه از کار استاده فرتوت و ناتوان است باید پانامی ۱۲۰ یا ۱۷۰ ریال حقوق تقاضه زندگی می کند . این پیرمرد که چند نررا باید نان بدهد فرمیکند چکوه هنوز زنده است ؟

هیچ میدانید این شخص و خانواده اش سه مرتبه درسال رنگ گوشت را نیبند ؟ هیچ اندیشیده اند که کک به چنین خانواده ای که افرادش را اطفال خردسال تشکیل میدهند و سرپرست و نان آورد آنها پیرمرد هفتادساله ناتوانی است چه اجر اخروی بزرگی دربر خواهد داشت ؟

شاید شما از زندگی پیرمرد بیچاره دیگری اطلاع نداشته باشید که داماد خود را از دست داده دخترش باشش طفل مغیر را باید نان بدهد و شاید بازهم ندانید که این پیرمرد و دخترش و اطفال بیگانه این خانواده از خردمندان هالی که ایان از خانه هار از کوت گوجهها جمع آوری میکنند خریده قوت لایوت خود را تهیه مینمایند و شاید قبول نکنند اگر بگویم این پیرمرد مدت سه ماه متوالی روزه بوده و افطار او از همین خرده نانها که بزحمت خریداری کرده تالی شده و عزت نفس مانع از این بوده که دست تکدی در کچه و بلار پیش مردم دراز کند .

از این رسم بیچارگان بسیارند . اینها عموما مستحق کک و دستگیری هستند . شایسته است از راههای مختلف به آنها کک کنبد از لباس کهنه خود فرزندانشان ، از اضافه سوخت زمستانی که در خانه دارید ، از آرد آذوقه که برای مصرف زمستان خود و فرزندانشان ذخیره نموده اند ، از کک های نقدی که شاید در زندگی شما چندان موثر نباشد و ...

این کسکه شارا در زندگی دچار مصروست نخواهد کرد ، سرپارزنده کی شما نخواهد بود و تاثیر هم برای شما ندارد . ولی کک که شما هر قدر هم کوچک باشد برای چنین خانواده هائی موثر است ، روزنه امید و نعمت مافوق تصوری است برای آنها .

امیدواریم در این روزهای سخت زمستان که عفریت مرگ این قسم کودکان بیوا را در چنگال خود میفشارد و سرمای زمستان آخرین نشانه حیات را از آنها سلب مینماید ، شما خواننده گان عزیز بکک آن هابشتابید و این بیچارگان را که گناهی جز فقر و تشکلهستی ندارند از چنگال مرگ خلاص کنید .

### اینها روزنه امیدی ندارند چشم آنها بکک

### شماست . از آنها دریغ مدارید

نوع پرورانه بیدیرند تارفاه موسمی نامین شود . خلاصه در این مورد باید چنان هم آنها ککی ایجاد نمود که هر شبهای فلج شده رنگ زده امور بتواند چرکت در آید و باید این را دانست که نهایت خداوندی پیشین مواطب بشری و نیکوکاری خواهد بود .

هرگاه خدای تعالی بطریق ناموایی انتخاب پیش گرفته شود شناسائی و رسمیت یافتن وای بودن انجمن مواجه با بارزه منلی و سلب اعتقاد مردم خواهد شد .

بامید مو فقتت

انعامات ناگواریکه هر روز در کوش از مسلکت بوقوع میبوند ، بدبختی هائی که امروز دامنگیر ما شده همه ناشی از منع اجرای این قانون میباشد . وقتی که دولت جناب آقای بیات زمام امور را بدست گرفت و عهده اجرای این قانون را داد ولی جامه عمل نپوشید .

حال که بدستور وزارت کشور این قانون میخواست اجرا شود لازم است بگوئیم قسمت اعظم مردم از جناب آقای صالح در باره این اقدام لارم و ضروری منشکر میباشد و نیز درباره اعضائیکه باید این انجمن را تشکیل دهند مطلبی چند بیان کنم :

۱- انجمن باید با چنان صلاحیتی تشکیل که در که حدا اثر استفاده را از وقت نموده و در واقع بتواند با سرعت کامل پیشرفت کند .

۲- این انجمن باید با انجمن های دیگر بکجه بطاهر منظور لغوش و احترام اجرای قانون عملی میبند و نقط جنبه تشریفاتی داشت تقابوت بسیاری داشته باشد .

۳- کارمندان این انجمن باید متوجه مسئولیت سنگین خود بوده و از هر لحاظ شایستگی چنین مقامی را داشته باشند .

۴- کارمندان انجمن باید با مسوول اقتصادی و جغرافیائی و آداب و سنن معانی کلا محیط و بصیر بوده و با ذخیره کافی از نیروی فکری و اقتراح کامل دست بکار گردند .

۵- صراحتا باید گفت انجمن بسیاری تعارف و تعلق دفاع از حقوق فردی و مصالح شخصی نباید فتح باب کند شالوده انجمن با پروگرامی صحیح باید بنیاد ریخته شود تا عده ای معلوم الحال آنرا تکیه کاه متاسر ناصالح نداشته .

روی سخن من با ناطبه اهالی و مطبوعه شاخه میباشد . عهده اهالی باید با احتیاط و دقت بیشتری در انتخاب اعضا مراقبت نماید و آنها را طوری انتخاب کند که بتواند مصالح آنان را حفظ نماید و کسی را به این خدمت مهم بگمارد که از هر لحاظ صلاحیت اخلاقی و شهامت دفاع از حق مشروع مردم را داشته و بطور وضوح فریب ریب و دریا و نظاهر مردمان ظاهر العلاج را نفورند .

مردم باید نایبندگانی انتخاب کنند که تیز هوش ، بیغرض ، بی طمع و بینظر بوده تا با پشتکار و ایمان کامل بخدا حقوق آنان را حفظ کند .

مردمان متسکن نیز باستی اشخاصی را به عضویت بگمارند که بین آنها و سایرین برده خصیم بدینی را برداشته بدون کوچک شدن احتیاجات هانه نظریات معاوانه قاطبه اهالی را باطنی ملو از احساسات

حق ملت بقتضای زمان کم و بیش از بین میروند ولی مرگ قطعی و حتمی ندارد مردانی چند با استفاده از وقت بر مرکب قدرت سوار و حقوق مسلم مردم را چولانگاه خود قراردادند بر آن اسب تازی میکنند تا آن را نابود و پایمال سازند . ولی جریان تاریخ نشان داده که سبیل تحولات اغلب بتقاط دور دست هم رسیده و در بنا زود این عهده تازان باید میدان را حق و عدالت را گذار نموده تا ملت حقوق از دست رفته خود را دوباره بدست آورد .

اقلاب مسکوچک مشروطیت محدود ایران اثراتی از خود گذاشت و حقوقی برای ملت تعیین نمود و قوانینی وضع شد که مناسفانه اغلب تمدا فراموش گردید .

قانون العینهای اربانی و ولایتی مصوب ربیع الثانی ۱۳۲۵ از آن جمله قوانین است که در زیر گردوخاک پرونده ها نزدیک به پوسیده شدن بود ولی همان طور که اشاره شد تحولات جهان زمامداران را وادار کرد که اجرای قوری این قانون فراموش شده را دست در دهنه قانون مزبور از جمله قوانین دوره طفولیت مشروطیت ایران است که بنبار در کردستان بر حله عمل در آمده لیکن چون مواجه با هنگامی بود که اقلاب تجدید امتداد و تهیه زمینه جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ فراهم میشد قوامی نگرفت و در آزمایش اولیه تعویل گردید .

برای جریان گذاشتن مردم کردستان از مفاد این قانون که اکنون میخوانند اجرا کنند آقای احمد خان کساکر که در جمع آوری و دسترس گذاشتن قوانین سابقه مستدی دارند مواد آنرا چاپ و منتشر نمودند .

هر چند بطور قطع از خاطرات تاریخ ۲۳ ساله اخیر گرفتن حق اظهار نظر ملت در مقدرات خود بود و اثرات زبان بخش و مملکت بر باد ده آن تیرسکه زورت در فرد واحد عهده مدودی بود و همین عمل باعث کلیه بدبختی های منلی گشت ولی ما که با عصری تحمل و برد باری امروز موفق بؤثر شدن در مقدرات خود شده ایم باید سعی کنیم مناظر اسف آورو هم انگیز گذشته تجدید نشد ، و کوشش نماییم درد های اجتماعی خود را درمان کنیم .

اگر این قانون از همان روز تصویب بوقوع اجرا گذارده میشد تا امروز چهل سال از عمر انجمنهای اربانی و ولایتی میگذشت در ده های زیادی را از نزدیک دیده و لزوم مبارزه قطعی بر حسب اضطرار شروع میشد و اوضاع ناآن جالی که مقدرات اجازه میداد اصلاح میگردد . خیالی از برنامه های خیالی دولتها عملی میشد و فریاد و ناراضیاتی و معرویت مردمان کلیه نقاط به این اندازه گوش خراش و ناتر آور نمی بود .

بتم آقای آیت الله مرده خ کردستانی

# گرد و گردستان

-۴۲-

(سنه اردلان)

محمد پاشا شرح قضیه را بدربار کریمخان اطلاع میدهد و کنگ میخواهد فوراً علی مرادخان باجمیت کافی بامداد محمد پاشا حامور و بجزرد انتشار خبر آمدن علی مراد خان فوراً احمد پاشا ینتهدا بر میگردد علی مراد خان هم بشیراز مراجعت مینماید. این امرت. احمد پاشا با قشون کامل و جمعیت کافی بشهر زور حمله می آورد.

محمددا علی مراد خان بکنگ محمد پاشای آمد. پس از تلافی فریقین و گرم شدن میدان رزم علی مراد خان دستگیر و لشکر زند و بابان شکست میخورد.

احمد پاشا علی مراد خان را در اول بغداد مینماید و زیر بنداد لازمه محبت و مهربانی را در باره او میذول داشته او را رغبت انصراف می دهد.

پس از رسیدن علی مراد خان بشیراز خاطر گرم خان از این پیش آمد آزرده شده محمد شفیع خان زند را با ۱۲ هزار سوار بامداد محمد پاشا میفرستد. مشار الیه در وسط زمستان و شتت برسد و سرما بگردستان رسیده پس از دو ماه توقف در اوایل حمل با سلطان خسروخان والی. جنوب شهر زور و همیار میشود.

احمد پاشا مجدداً بدون جنگ فرار و محمد پاشا مستلماً برقرار میگردد. و مدت هفت ماه محمد شفیع خان و خسرو خان در آن حدود متوقف مینمانند پس از حصول اطمنان از استقرار محمد پاشا والی و محمد شفیع خان با وطن خود مراجعت مینمایند.

در ۳ شنبه ۱۳ صفر ۱۱۹۳ کریمخان در گذشت. روسای عشایر و سران طوایف سر ازینوله ها در آورده صرنا سر ایبرارا هرج و مرج و مارتک الطوایفی فرامیگیرد از یکطرف علی مرادخان زند خود را وادت کریمخان میخواند. از طرف دیگر ذوالنار خان افشار سر بر آورده خود را وارث نادر میخواند.

بالاخره علی مرادخان از اصفهان بجانب افشار حمله ور شده احمد خان پسر خسروخان هم که مدت چهارده سال در اصفهان بنویان گروگان توقف داشته و در میت او بوده در هرس راه هم فزای عراق و محمد خان لری و احمد خان آقای باش آغا و غیر هم بساو ملحق شدند.

در قلمرو علی شکر (اسفند آباد) تلافی فریقین دست داده پس از قتل و کشتار بیحد و شمار سپاه افشار رو بفرار نهاده ذوالنار خان خود را یادو سه تن بطارم و خالهال میرساند.

حاکم آنها او را دستگیر و نزد علی مرادخان میفرستد. اسی الورد سر او را ازین جدا میکند پس از آن قح و موفقیت احمد خان پسر خسروخان را با اعزاز و اوارش هرچه نامتر مرخص نموده و خود هازم تهران میشود و تماشاای ملاقات خسرو خان را مینماید خسروخان در اواسط رمضان ۱۱۹۳ باجمعی از اعز و اعیان کریمخان باسران و سرداران و نامه داران خود تادو فرسخی باستانبال خسروخان مینماید و با نهایت احترام وارد تهران میشود.

خسروخان در مجلس دوم هو و رهائی الهی علی خان حاکم کرمانشاه را که مدتی بود محبوس بوده تماشاً مینماید. علیمراد خان فوراً او را از حبس آزاد و بیحمت و رقم حکومت کرمانشاه مجدداً معزز و دلنشد میسازد. سپس از تهران مدتی بجزوب و از آنجا باصفهان مراجعت مینماید و خسروخان و خوانین گردستان هم هموما درو کاب بودند اند.

ذوالصفهان محمد رشید بیگ و کبیل از طرف اهالی لبشکوه و نظلم از خسروخان میگشاید. علیمرادخان هم که از افتد ارات خسرو خان باطنا در اندیشه بوده فرصت را مفتم شده خسرو خان را معزول و رقم ایالت وای نام کهزادخان اردلان پسر سبحان و پیردینخان صادر مینماید او را با احمد رشید بیگ و کبیل و جمعیت اردلان روانه

اثر طبع هزار ترجمه اشک چشم اثر طبع پروین اخصامی

## فرمیسکی هقبو

روزی به کوچه یهك داد روی پادشایهك

له هدر كولان و بانى بویه هدر او قریوه

برسی هه تیوی بی کس چی به له دانر و سکه

له تاجی پادشادا : جوانی وهام نه دیوه

یه کی وه رامی داره له کوی دناسین ایمه

هیندهی هه یه به پولی زور و فرمی کربوه

پیره ژیکسی برسی بی کوت نه عن ده زانم

فرمیسکی جای ایمه و خوبی دلی هه تیوه

به به رگ و جیوی شوانی ایمه فریودر اوین

گورگه له یستی هه راهه زارزگی دریوه

نه و سیخه دی و نه سیی کربوه ربگریکه

که دایه شا که باجی مسکینه کی بزیه

له دوری تاجی پاشا دقت بکه ی ده زانی

فرمیسکی دانه دانه یه کیوه هه لوه ریوه

هه هزار له پهندی بیسو دخته له گله زانان

لا زانی ایسته ناحق بزدی حقی بریوه

این نخل در آقای محمدالرحمن شرقکندی از نوکان ارسال داشته اند

کردستان میکند. در این ایوانه غیر میرسد که پسران

صادق خان زند جمعیتی فراهم آورده خیال سرکنی و طمیان دارند.

علیرادمان سپاهی در تحت ریاست سرداران زندیه حامور نموده محمد رشید بیگ و کبیل راهم باسیدم نفر از سواران اردلان در معیت سرداران روانه میدارد.

پس از بهم رسیدن دوسه پسران صادق خان در اولین حمله سرداران و سپاه سواران زند و اردلان را از میدان بر میدارد و لشکر علی مرادخان بکلی دلاغان و متفرق میشود.

محمد رشید بیگ و همراهانش دیگر رو باصفهان نیارده از همانجا جانب کردستان مینتازد که کهزادخان و استلال پدنه.

خسروخان هم که تفرقه و انبازم لشکر علی مرادخان را میشود با تفاق رضا قلی خان برادرش و اصفهانیان عودش از اصفهان بجای کردستان مینماید همینکه

چهاره اسفند آباد میرسد غیر محمد رشید بیگ میرسد ناچار محمد رشید بیگ و کهزاد خان و میرزا یوسف و میرزا احمد پسران میرزا عبدالله و وزیر و سایر مشوین و متعلقین

در این هنگام محمد پاشا و عسریک برادران معبود پاشا از برادر خود رو گردان شده نزد خسروخان اظهار میکنند

اگر او محمد پاشا و عسریک را برای من پس بفرستد همم کهزاد خان را برای او روانه میکنم که با بنویسیده روابط ذات البین مستحکم شود.

خسروخان این نظریه را پذیرفته توسط آما محمد بروجردی معبود پاشا و عسریک را هودن میدهد.

بنام آقای ع. شجاع اردلان دانشجوی حقوق

انقاد از مقاله

### چگونه در کردستان از مردم سلب آزادی میشود؟

میکویند دیدم دوست خوب بین بود، ولی من با تمام ارادت که با آقای عباس آزاد پور نویسنده آن مقاله دارم نمی توانم نظریات انفرادی خود را مکتوم بدارم.

ایشان در مقاله خود سه از فجایع مامورین دولت را در منطقه کردستان بنظر خواننده رسانده بودند اصل موضوع برای من تازه کی نداشت چه عوداژ نزدیک ناظر قضیه بودم و هیأتت بک فرماده -

انگیزه اداری نبود در مکتوم که این دوستان نامه دیدم آری نوشته ایشان در مکتوم نامه کوهستان جز یادآوری یک خاطره تلخ در من اثر دیگری نداشت ولی در دو مورد مقاله ایشان را تنقید میکنم اول آقای آزاد پور انماشون مقاله خود را خوب انتخاب نکرده بودید برای من و همه کسانی که از نزدیک آشنا بودیم کردستان هستیم این عنوان چگونه در کردستان از مردم سلب آزادی میشود بسیار غریب میسود.

آقای آزاد پور میخواهم خانم کی شادو کردستان آزادی داشته اید که امروز آن را سلب کرده اید

آیا قبل از توقیف غیر قانونی تان آزاد بوده اید و امروز که از چنگ پرورنده مازی هوشمند افشار رسته اید خود از آزاد تصور میکنید ا راستی کدام آزادی!

اهالی نجیب کردستان بخصوص طایفه روشنگر آن چه وقت آزاد بوده اند در چه موقعی آزادی داشته اند که امروز از آنها سلب شده است از محیطی که حتی قبل از اعلام حکومت نظامی شب نشینی های خانوادگی خواندن روزنامه و غیر اینها داشتن اجنبی ممنوع باشد آیا بر چنین مردمی هرگز سلب آزادی وزیده است!

مگر سلب آزادی همین است سکه دست و پایی انسان را ببندند و در کج زبان ها جایش دهند یا غیر آقای آزاد پور جواب همه این سئوالات منفی است هیچکاه در کردستان آزادی وجود نداشته ما مردم این منطقه همیشه از حق آزادی از این حق مسلم طبیعی ان حتی که اهالی ایبه و حتی افریقاه از اجرای آن منوع نیستند معروه بوده ایم هیچکاه فکرو عقیده ما را خلاصه الکلام زبان و لفظ ما آزاد نبوده است این دلیل راستش را بخواهید شما در این خصوص حق سخن را خوب ادا نکرده و برای آنچه که همیشه در آنجا مودوم بود و جردی قائل شده اید دامنه وسیع آزادی را آقدر محدود نموده اید سکه عدش بزوجود»

اگر علت توقیف غیر قانونی شما هنوز بر خودتان مجبور است بدانید که جرم ا شما تنها اینست که روزنامه کوهستان بود روزنامه که نتایج یک فرماده سندی و خود سررا بسج اولیای امور میسایند روزنامه که نتوانست برده از روی عملیات خلاف روبرو هوشمند افشار و سایر مامورین نامساح بردارد آری گناه شما جران نرد آن وقت پیشه در محیطی که نایب کی یک روزنامه ملی وحشی خواندن آن جرم باشد دیگر پرواضح است که در قاموس هوشمند افشارها و اسلاف او آزادی چه معنای داشته است!

هر وقت مردم سندیه کردستان مردمی که سر بر برداری از خصایس آزادی اواست خواسته است در راه اجرای حق مشروع آزادی قدمی بردارید اید برابر مقام و اهل مامورین نامساح و نایب کی جیبی کند این خائن ملی از غم آنها در پی سگر ناچار شده است و افزاء قرار گرفته کرده افراترنگ آتوب طلب ا ما جراجو و برخی قدمی فراتر نهاده آرها را استقلال طلب خوانده اند آری این صلاح همیشه در راه تدبیر حق مردم رنج دیدم کردستان بکار رفته و برای مامورین نامساح مفید فوایدی بوده و نتایج مثبتی داشته است!

این سیاست شومی است که همواره مامورین دولت در آن منطقه اعمال نموده اند و با این فکر سگر و دروش سندیه خود توانسته اند همیشه بر مرکب مراد سوار باشند مال و جان و همه چیز مردم را فدای مطامع و هوسرالی خود نمایند بدون این که سری یاری جنبیدن داشته باشد ابا این خط منی توانسته اند اهالی بدبخت این ناحیه را کماکان در زیر منگنه فشار قرار داده یکشت مردم عصر اتم را با همان اصول زندگی و اجتماعی قرون وسطی اداره کنند!

با گذشته کار نداریم میکویند چهار سال است کشور با رژیم دموکراسی اداره میشود ما داخل خصوصیات این موضوع نمی شویم ولی آنچه که برای ما غیر قابل انکار است این است که در همه جا تشکیل احزاب و انجمن هاجمیتها آزاد بوده هیچ شهری از این کشور را نمیتوانید که دارای جمعیت یا حزبی نبوده است ولی آیا در کردستان ونواسی آن درجینی که حتی نامی از حکومت نظامی درین نبود هیچ چهار نفری قادر بود آن قدر آزادی داشتند که دور هم گرد آیند و تشکیل انجمن یا جمعیتی بدهند ا هیچکاه فراموش نمیکنم مدتی قبل از اعلام حکومت نظامی عده ای از جوانان با ذوق خواسته

- کتابت بهر گنبد حضرت و بیس
- از سندیج آقایان ذیل بتمبر گنبد حضرت و بیس کمک کرده اند:
- ۱ - آقای حاج سالار قانع ۳۰۰۰ ریال
- ۲ - آقای میرزا فتح هوشمند و زبری ۲۰۰۰
- ۳ - آقای سر بربر گمانگر و خانوشان ۵۰۰
- ۴ - آقای اوالانام صادق و زبری ۳۰۰

انجمنی بنام «انجمن ادبی» در کتند با اینکه در آن موقع قانونا هیچگونه مانعی برای تشکیل انجمن ها و اجتماعات نبود ولی یکی دو جلسه پیشتر هر این انجمن تالیف چه موسیقین آن از ترس تبعیت و افزای مبلتار بسنهار یک خود را بستاری کشیده و به سبب علت آن انجمن قوام نگرفت!

بنابر این آقای آزاد پور مردمی که بیست و چند سال است با این لغو زندگی میکنند مردمی که هیچکاه برای نفس کشیدن نداشته اند مردمی که شم گمن یا بهتر بگویم توصیف کل و لیل پروانه و شمع - برایشان جرم و گناه غیر قابل عفو نباشد چه وقت آزادی داشته اند سکه امروز احمقان آن را از دست داده باشد!!!

دیگر اینکه برای من مجبور بود که اصل موضوع را چه مشغور در صفحات روزنامه ننسکس نموده و دیدم صورتیکه خواسته اید که در معاد دادخواهی بر آمده و اولیای امور حق اذیت رفتن را بشا باز گردانند باز هم راهی بس خطارفته بر شک تراوش این فکر از منز جوان حساسی چون شما بسیار بعید است! اگر نظلمات مردم بسج متصدیان امر میرسد اگر ناله و ضجه های مردم در انواب این هیئت حا که متفور اثری داشت هرگز وضع کشور سیر نوشت رفت آور فعلی دچار نسگردید و هیچکاه ابق سعادت و خوشبختی ملت این سان تیره و تار نمیشد.

آری آزاد پور اگر هیئت حا که وقتی شبایلات مردمی گذاشت و در تمویض هوشمند افشار اینقدر مسامحه و خودرایی نینمود دیگر غصه هزار ها نفر بیگناه از افراد این کشور از مردمی که انتقار ایشان بر فرق تاویخ بیوز تج رسمی نمایان است از توده معصومی که تحمل ضربت چکه انسران و سزایره سرمازان را برای آنها از شام شب لازم نردانست اند بر خاسته ریخته نیشد دیگر شام در سگویی اشاره ای آن برادر کشی های پنج شش ماه پیش راه نیانند دیگر میلیون ها نوجوان شام لشکر کشی از اکیسه این مدت لغت و گرسنه بهر سیرفت!

مردم کردستان اگر آشوب طلب ا و غارتگر بودند چگونه با ایتال هوشمند افشار و اتصاف یک فرمانده مدد و شایسته چون نینسار سرتیپ ها بوی هشت از آشوب طلبی او غارتگری کشیدند چه عواملی پیش آمده که بعضی وود فرماده مدینه آن آتشی را که هوشمند افشار دامن زده بود بجایزه شومش گردید ا کرد ها اگر غارتگر و آشوب طلب هستند امروز که کشور ما بحرانی ترین دقایق تاریخ را میساید بیگونه لوامی کردستان حتی از خبان های لاله زار و استانبول که مرکز فعالیت و نفوذ میلیتاریسم است امن تر و آرامتر میباشد! سببست که باین حساب ها رسیدگی کند ا کدام دولت است که قضایا را باهم بسنجد و از هر معلولی بی بخت ببرد!

با اینوصف آقای آزاد پور شما توقع دارید که بخاطر تیرا بول به حقوق شما و هزاران نفر دیگر کسی دست نبرکب هوشمند افشار بزند! آیا هیچ میدانید که اگر تا امروز هم شه هوشمند افشار از کردستان کنده نیشد هنوز توقیف غیر قانونی شما ادامه میداشت! اول تلکرافات و شکایات تان بکلیه مراجع صلاحیتدار وحشی آه! بیکه متکلف بودله از حق شما دفاع کند آری گرم نیشد!

آری امروز موقع دادخواهی نیست امروز کسی گوش نظلمات مردم بدهکار نیست هنوز تمايلات ملت با لبته و تسخر تلفظ میشود هنوز مقدرات مردم در دست یکشت نامساح میباشد روزی حقوق اشخاص محترم است و دیگر حق کسی تخسب نخواهد شد که کاخ سزازل هیئت حا که فعلی یکباره واژگون گردد و آزاد بنواهان و اتمی بنامی بر اساس عدالت اجامی مسفر گردد آن روز آری آن روز دیگر شکایات و نظلمات مردم بر اثر بیست آروز هر سنی بصدار میرسد در برابر ذو چنین روزی فرامیرسد در آروزی چنین روزی باشید - باید آن روز

### نامه‌ها و تلگرافهای وارده

از سنجند

آقای محمد علی آزادی آموزگار دبستانهای متحج-یتوید که واجم به علی بودن قانون تعلیمات اجباری و اضافه بودن کارمندان کثرتی آموزشگاه ها اقداماتی از طریق مجلس شورای ملی و وزارت فرهنگ نموده اند

بطوریکه از طرف وزارت فرهنگ بخش نامه ای بفرهنگ شهرستانها صادر شده که سیاهه اسامی کارمندان بیانی را تعیین نماید تا به پرونده آنها رسیدگی شود و نسبت بآن همه آموزگاران که تا آخر شهریور ۱۳۲۴ پنج سال سابقه خدمت دارند اقداماتی معمول شود. در پایان نامه خردآمای معده علی آزادی از همکاران خود تقاضا نموده اند که تشریک مساعی نموده بلکه زودتر نتیجه مثبتی بدست آید

از سنندج

توسط آقای ناصرقلی اردلان نماینده معتمد کردستان ساعت مقدس مجلس شورای ملی رونوشت چاپ آقای لغمت وزیر رونوشت دادگستری رونوشت کوهستان.

در این موقع که لایحه اصلاح قانون نظام وظیفه تدبیر گردید بیرو عرض حال تاگرافی ۲۳۱۲۲۲ که متکی به دلایل منطقی و منطقی است معالمت دائم بکمانه پس از آن پنججاه ساله را استندا دارم

فردوس امیری - امینه شیخ الاسلامی - حاجیه میانی - حسنت سلطان معتمد وزیر - طوسی و کیل - هما صادق وزیر - امینه معتمد - هما و کیل - زین تاج وزیر - آصف دخت - فراسنت معسود وزیر - طاعت معتمد - حیدره بابان - ملیحه صادق وزیر

از سقز آقای ع. ا. شرح مفصالی از حمایتی رویه در نظر اول امام شاهر محی الدین واحد بزدان پنه نامان نوشته و اظهار داشته است با وجود اینکه شکایات زیادی تا بحال از آنها شده ترتیب انری نداده اند چه خوب است اگر این دولت مردمان صالح بخومی هستند چند وقتی هم بنطاق دیگر ماموریت بیاید زیرا از بد خدمت تا بحال در این منطقه بوده و جز مردم آزادی و عزت مردم نمی دیگری از آنها دیده شده است.

کوهستان... توجه اداره کل ژانده امیری را بشکایت وارده لون جلب بنمایم.

### آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۷/۱۰/۱۳۲۴ بانواع امیرصفت طبق تقاضا نامه شماره ۷۹۱/۲۴ باستاند بکبرک پرشش نامه و رونوشت شناسنامه خود و خلاصه برك تمامای حصر وراثت را نموده بدین توضیح که مرحوم مشهدی حسن دشتیان کرد بچه داوی شناسنامه شماره ۹۷۹۶ در سال ۱۳۱۰ در تهران جایگاه دائمی خود مرده و ورثه مرحوم حین الموت منحصر بوده بتفاضیه شناسنامه ۲۹۱۶ و ماناها فی یکم اقبال طلب شناسنامه ۹۴۳ در خیال و یک پسر بنام علی اکبر کرد بچه از طبق متقاضیه و غیر از سه نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده است پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد ولیز مذکر میشود اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در طرف مدت مز و و ابراز والا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس شعبه دادگاه بخش طهران خلیل میری

۳-۱

### آگهی حصر وراثت

فاطمه خانم جهانی دل درخواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که معتمد کیوان پناهی مقیم دائر ستهج فوت نموده وارث او منحصر بشماره (۳) و (۴) پسر (عطاء) یکدختر (حاجیه) میباشد. باستاند گواهی گواهان معنی ورو - نوشت شناسنامه برادر استفاده از سلبه ترسعه منقذی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب را سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی واخواهی دارد ازشر اولی آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت هم جز رسمی و سری فاقد تا اثر است.

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳-۱

### تصحیح

در آگهی سوم صفحه ۶ شماره ۴۶ بجای معتمد رشید کرسیبول، معتمد کرسیبول چاپ شده خواهشند است تصحیح فرمایید

جای اداره: خیابان پهلوی شماره تفن: ۳۹-۸۵

چاپخانه کشاورزی تلفن ۴۷۸۷

خوش ناول - کاپیتن مرزبانی - کاپیتن جلال امین - کاپیتن نیراله - کاپیتن بکر - مهندس معتمد مقدس - مهندس توری احمدی - وکیل دادگستری حمزه عبدالله و پنجاه نفر دیگر از روشنفکران و برجسته گان کرد، که مناسفانه اسامی آنان را بدست نیامده، منافع و استراحت شخصی خود را فدای راه آزادی کردند، جان بر کف نهاده، بجاهدین ملی خود بازوایان پیوسته و باین وسیله نام خود را در تاریخ آزادی کرد با احترام و تقدس ثبت کردند.

چندی قبل در روزنامه ها حکم غیابی اعدام مصطفی پاشا صادره از محکمه بغداد خواندم. خوانندگان گرام در شرحی که فوایدان شده ملاحظه نمودند که ولایت موصل، آن منافع طلای سیاه تنها در سایه خونریزیهای کردهای شمال و ادعاهای کردهای جنوب و مشروط با اینکه کردهای آن منطقه به آمل ملی خود برسد بدست دولت عراق افتاد.

ملا مصطفی پاشا و اتباعش کرد و بزبان آریایی تکلم نموده و بتصدیق و احترام هیئت قضات جامعه ملل کردها اکثریت سکنه ولایت موصل را تشکیل داده حرم ملی عراقی را هم نداشته اند. در صورت پیوستن موصل بمراق لازم بود تشکیلات دادگستری - کشوری و فرهنگی بدست کردها سپرده شود و بزبان رسمی هم کردی باشد. اگر خواستن این حق صریح - معذوق و موعود، که داده نشد، با اقدام به گرفتن آن جرم، جرمی حسنه مستوجب اعدام باشد تلقی گردد پس عدالت اجتماعی چیست! آزادی بشر کجاست!

قوم عرب که اعمار متوالی طعم تیغ اسارت عثمانی را چشیده و در تمام ادوار اسلامی در راه تکمیل و تقویت حاکمیت مادی و معنوی خود شاهد کتکهای ذوقیت، سنی جان بازیها و فداکاریهای غارق الساده اکراد بوده نیبست چنین پاداش دهد.

ملت کرد برادران دینی خود، قوم عرب این انتظار را نداشت

آیا پاداش خدمت و همراهی این است؟

(۱) ملت کرد در ازای فداکاری بشماره لقب پاشایی عطا نموده

مختلفه کرد نژاد دارند با سرعت مکه برای تمین حدود و شکل حکومتی که مورد پسند عموم باشد در بین خود وحدت و اتفاق بوجود آورده، نابزرگان رسمی خود را برای حفظ ارتباط های سیاسی و اقتصادی با حکومت های بریتانیا و عراق به بناد روانه نموده.

بالاخره ولایت موصل به عراق ملحق شد. اما علی رغم فرار دادها، تمهیدات و تبلیغات رسمی حنون اگر دسا کن عراق هم داده نشد. فقط قسمتی از این منطقه مانند رواندر - اربیل - سلیمانیه و کویسجان مجاز شده به زبان کردی خود خوانده و بنویسند - آنها هم در قسمت تحصیلات عالی - و بزبان معلمان کردی باشد.

علاوه بر اینکه یک مرکز کردی تعیین نشد، شهرستانهای همره هدایه - زاخو و سنجار که اکثریت معظمه در سه شهرستان اول صدی صد کرد نژاد و کرد زبان بود مرکز استانهای موصل که باز اکثریت با کردها بود از این امتیاز ملی محروم، تدریس، سکانتیاب و زبان رسمی همری مقرر گردید.

کردهای عراق اعتراض های مسلحانه نمودند، خوفا ریخته شد (که در اینجا از شرح آن خودداری میشود). آخرین قیام در نعت ریاست ملا مصطفی پاشا (۱) برادر شیخ احمد باورانی از اهالی ماطنی که تابع اجباری زبان همری شده بودند بوقوع پیوست.

کردهای عراق هر چند، در سایه تحصیلات بزبان مادری خود در حدت کوتاهی، از برادران دیگر خود از حیث علم و بنوع احسانات جلوتر افتاده اند باز در تحت تأثیر افکار و اندیشه ها مانده و از طرفی هم با اطمینان به مشورهای پیشوایان آزادیخواهان برای استرداد حنون ملی خود بشماره کتک نموده.

لفظ کماندان عزت عبدالعزیز - کاپیتن میرحج - کاپیتن مصطفی

## از طبع بکنترلر بختیاری قسمتی از یک قصیده لری

ای که روزی همه خلق را ایار تو  
آسمان ها وزمین کرده کردار تو  
ای همه رنگ و نگاری که بیون دنامه  
همه از بر تو یک جلوه دیدار تو  
آفتاب و ای همه نوری که آتاپه و زمین  
مختصر ذره ای از تابش و عسار تو  
ای همه آو که بدویا ای چنی موج آو  
تکه از حکرم در گهر بار تو  
پشه و پیل ، همه وزن خموسه اخورن  
روزی این همه از بفتش سرشار تو  
پیرابون خلق و همه ساله تلاوت اکسن  
غیر ذات تو ، اسال تو ، چی بار تو  
هرحکمی که دوا داد ، مریضش خوبید  
او دوا ها همه از قبلی عطار تو  
هرچه فردوسی وسعدی و نظامی گویند  
همه سون از اثر طبع در ربار تو  
عالمون هرچه کتن فکر و اپان به نسون  
استباه کرده و جمله ز انکار تو  
هرچه مو فکر اکتم ، بکسر بهر عکس ابو  
پریک سوزانه ، چونکه زد و بار تو  
هر سروشور بدلیا ، مین مفلون ابو  
از نیم با اکتسیم ، که همه سون کار تو  
هر بنالی که بسازن همه ویران او  
غیر پاینده فقط گنبد دوار تو  
اشمار نون و آفتاب چنی کارمند راه شوسه لرستان از خرم آباد  
ا.ا. داشته اند .

سر بازی نایند .

استدعای پادشاه حریفه تا کراتی شود  
و از هیئت محترم دولت و ریاست محترم  
مجلس بنام مقامیت محرم اهل خوارستاریم  
قاسم اعظمی - حسین رضایی - غلامرضا  
اعظمی - فتح الله اعظمی - محمد اعظمی -  
شهبه اعظمی - علی اعظمی - علی اکبر اعظمی  
امین الله اکبری - غلامحسین اکبری - شهید  
محمد باقری - شمس الله باقری - بدافه  
اعظمی - صادق رضایی - تراب رضایی  
بهمن رضایی - اسفندیار رضایی - خدا  
پیش - علی اکبر رضایی - بدافه رضایی  
شیراز رضایی - حشمت رضایی - حسن رضایی  
احمد رضایی - روح الله رضایی - کریم رضایی  
صفر کیلای دار جازارد درو - حید مراد  
عبادیان - الساس مرادیان - احمد عبادیان  
مصدق عبادیان - رضا عبادیان - بدافه  
عبادیان - عید الله عبادیان - ناهلی -  
فرامرزی - عبادیان - امیرراد شیر - قلی  
اردشیری - قلی تیموری - عید الله تیموری  
دویش تیموری - حسن تیموری - علی غلامی  
قلی غلامی - خسرو غلامی - گرگین غلامی

## نگار افدیگر ارشاه آباد غوب

تو را بر سرش می رسد لادوبان اوطاف  
گفته کان زهر که در دم ت چهار پنج ...  
تصدی آفتاب خسرو قبادیان فرماندهاری  
شاه آباد خرب در اثر کتن مفرضیه سو  
تفاهمی باعث تجبیه کی خاطر ابراز دولت  
و موجهات شکایت و نظم را فراهم نموده  
اینکه دسایس مفرضین که برای تیل به  
مقصود محرم خود و رشته در انفاق بیند  
بود روشن . بسم الله تعالی دو چنین روز  
پرموده جمعی از آقایان غیر خواه تکراری  
های موجود بطور اکمل مرتفع و محوم  
ایل تحت عنوان میهن پرستی و دو انجوامی  
استدعای حاجزانه دارند که امکان آفتاب خسرو  
قبادیان را بست فرماندهاری شاه آباد خرب  
ایناه و منسوب فرمانده تان نام ایل کتیر یا  
سرپرستی آفتاب خسرو قبادیان گرفتار کاری  
و سر بازی بست از هیئت محترم دولت و ریاست  
مجلس شورای ملی امینوارو بجان بازی و  
و خدمتگذاری درین خود آئی و دالی

## آگهی

صندوق پس انداز ملی مبلغ - ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال ( یک میلیون و پانصد  
هزار ریال ) بعنوان جایزه بطور قرعه بین دارندگان حساب پس انداز دو سال  
جاری تقسیم مینماید .  
جایزه اول - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ( یکصد هزار ریال ) است  
کسانی که بخواهند از مزایای پس انداز استفاده و در قرعه کشر آن شرکت  
نمایند بایستی تا قبل از پایان سال دو تهران بصندوق پس انداز ملی پایانه های  
شهری و در شهرها و شهرستانها بشعبها یا نمایندگیهای بانک ملی ایران مراجعه  
و برای قود و فرزندانشان حساب پس انداز باز کنند .  
۴ - ۵

## در گذشت مرحوم محمود خان کانی سانانی

صبح پنج شنبه ۲۷ و ۲۴۱۰۰ محمود خان کانی سانانی در  
آسایشگاه بوستنی دار فانی را وداع گفت . مشارالیه پس از  
خانه یافتن رفایع اورامان و مربروان بستندج آمد و از آنجا بنا  
بوقاقت مقامات نظامی برای معالجه بهرمان مسافرت کرده  
روز ۲۱ و ۲۴۱۰۰ بطهران وارد و در منزل آفتاب بسیار آمد  
وزیری اقامت کرد . در آن آنجا بمعالجه پرداخت ولی از آن  
جاییکه روز بروز حال مزاجی او رو بوضعت میرفت و بسیاری  
شدت میبانت پزشکان مسالغ نکسی برداری از مشارالیه را به  
منظور تشعش فطمی بسیاری لازم دانسته و بهالشیجه پس از عکس  
برداری مبتلا بودن مشارالیه به بیماری حل خدیجه معرز و چنین  
ملاحظه بدند که او را با آسایشگاهی که مخصوص پدیرانی سلولین  
است انتقال دهند .

در تاریخ ۱۰۱۳ مرحوم محمود خان به آسایشگاه  
بوستنی واقع در چند کیلومتری شهر تهران منتقل و مدت دو هفته  
در آنجا تحت مراقبت های طبی قرار گرفته و بالاخره روز  
شنبه ۲۴/۱۰/۲۷ بدروزدگان کانی گفت .  
تشییع جنازه آن مرحوم روز جمعه با حضور همه ای  
از محترمین گردستان آمده و در زیارتگاه بابویه بجا  
سپرده شد .

دلیا محل گذر است . سعادتمند کسی است که چند صباح عمر  
را در تامل و فقه موطنان و در خدمت بخلق صرف نماید خوش  
بخت کسی است که در راه ایجاد اتفاق و یگانگی و در خدمت  
ملی وقت خود را بکاربرد بکنام کسی است که در زمان حیات  
آثارکی از خود یادگار بگذارد چارودان کسی است که خدمات  
و خدماتی های او سالیان دراز پس از مرگ زبان زد خاص و  
عام باشد .  
پس بگوئیم تا با رفتار و کردار خوب نام یکی از خود  
بجا بگذاریم .

## در گذشت مرحوم محمود خان کانی سانانی را یازماندگان آن مرحوم تسلیت میگوئیم . نامه کوهستان

انجمن های ایالتی و ولایتی  
دوستانج از همه گذشته هیئت نظار شروع به دادن تسرفه  
نوده اس .  
از محوم روشن فکران گردستان انتظار داریم که اشخاص  
انجمن های ایالتی و ولایتی و اشغوش و سرسری تلقی نموده با نهایت علاقه  
و جدیت در انتخاب اشخاص صالح و خدمتگذار و دلوز مردم کوشش و  
مساعدت نمایند .

سر نوشت خود را بدست های لایق با کفایت بسپارند  
از آقایان وقتا و دوستان ارجمندیکه در مدت اقامت مناطق  
حرم مخصوصا گردستان اظهار لطف و مهربان نوازی فرموده اند  
نهایت متشکر و از اینکه توانستام برای مرخصشگر خضوری و  
تودیع شریفاب شوم بوزش و مسذرت می خواهم .  
حسینعلی آرموده اردلان